

# حکومت اسلامی سرنگون سرنگون

**فاشیسم اسلامی علیه کارگران مهاجر افغانستانی**  
سیامک بهاری

صفحه ۳

**اساس کمونیسم و سوسیالیسم انسان است**  
کاظم نیکخواه

صفحه ۴

**افزایش قیمت دلار برای جبران  
کسری بودجه جمهوری اسلامی**  
محمد شکوهی

صفحه ۵

**مدیای اجتماعی**  
صفحه ۶  
**از مدیای سازمان جوانان کمونیست!**  
**تار موی زنان برای حکومت!**

**اطلاعیه ها**  
صفحه ۱۰، ۱۱، ۱۲  
**ادامه اعتراضات کارگران معدن فاریاب و**  
**چند خبر اعتراضی دیگر**  
**ستاد مردمی مبارزه با کرونا :**  
**پول برق و گاز و آب را نپردازید!**

## انترناسیونال



**حزب کمونیست کارگری ایران**

شماره ۸۶۹

جمعه ۲ خرداد ۱۳۹۹، ۲۲ مه ۲۰۲۰

**شلیک به هواپیمای مسافری  
جنایتی که دنیا را تکان داد**

کاظم نیکخواه



چهار ماه و نیم از فاجعه تکانهنده و فجیع شلیک موشک به هواپیمای مسافری اوکراینی پرواز 752 میگذرد. چهارماه و نیمی که هر لحظه و ساعتش بدون تردید برای بستگان ۱۷۶ تن از قربانیان این فاجعه کابوسی وحشتناک سرشار از درد و عذاب و غم و رنج بوده است. جمهوری اسلامی همچنان با قلدری از باز پس فرستادن جعبه سیاه هواپیما خودداری میکند و امکان بررسی جوانب این فاجعه را به کارشناسان بین المللی نمیدهد. این هفته دولت اوکراین اعلام کرد که ممکن است پرونده شلیک به هواپیمای مسافری توسط جمهوری اسلامی را به دادگاه بین المللی لاهه ارجاع دهد. دلیل این تصمیم را دولت اوکراین عدم همکاری جمهوری اسلامی و به نتیجه نرسیدن مذاکرات و تحویل ندادن جعبه سیاه هواپیمای سرنگون شده اعلام کرده است. در هشت ژانویه سال جاری سپاه پاسداران حکومت با شلیک دو موشک این هواپیما را سرنگون کرد و دنیا را در شوک و اندوه فروبرد. جمهوری اسلامی امیدوار بود که بحران جهانی کرونا این جنایت فجیع را به فراموشی بکشاند. اما کرونا گرچه اخبار مربوط به هواپیمای اوکراینی را از صدر اخبار روزنامه ها پایین آورد، اما از ذهن مردم جهان دور نکرد. جنایتی بی سابقه توسط یک دولت صورت گرفته است که تا زمانی که ادامه در صفحه ۲

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

از صفحه ۱

## شلیک به هواپیمای مسافری جنایتی که دنیا را تکان داد

جوانب آن کاملاً روشن نشود و عاملین و آمرین آن جوابگو نشوند، یک ذره از تلخی و داغی آن کم نمیشود. در پرونده جمهوری اسلامی جنایات بسیاری وجود دارد. اما این یکی با هیچ بهانه و توجیه امنیتی و سیاسی و نظامی ای قابل دفاع نیست.

قوانین بین المللی است اما به عبث میخواهند اطلاعات این جنایت را مخفی نگه دارند. دولت اوکراین و دولت کانادا و چند دولت دیگر که شهروندانشان از قربانیان این جنایت بوده اند پیگیر جنایت جمهوری اسلامی هستند. اما مهمتر از این دولتها، خانواده های قربانیان هستند که کوتاه نمی آیند. در واقع زیر فشار خانواده ها و مردم است که دولتها به صراحت ارائه پرونده این جنایت به دادگاه لاهه افتاده اند.

ارائه پرونده به دادگاه لاهه خاصیت اصلیش اینست که موضوع را داغ نگه میدارد. وگرنه احکام دادگاه لاهه اولاً بسیار طول میکشد که صادر شود و بعلاوه برای مقامات دولتها قابل اجرا نیست. اگر یک ذره عدالت در سیستم حاکم در دنیا وجود داشت، اگر بطور واقعی قتل و جنایت توسط هرکسی قابل پیگیری بود و دست اندرکاران حکومتها در مقابل جنایاتشان مصونیت نداشتند، اکنون مدتها بود که سران این حکومت و عاملین شلیک به این هواپیما را در دادگاههای مردمی بطور علنی جلوی چشم مردم محاکمه کرده بودند. اینکه قاتلین عزیزان مردم راحت بعنوان مقامات یک کشور میگردند و در برابر اعتراضات شانه بالا می اندازند

حکومت اسلامی خود به نحوی دارد اعتراف میکند که عمداً این هواپیما را سرنگون کرده است. و اعتراف به چنین جنایت فجیعی و ضد بشری ای به معنای حکم سرنگونی این حکومت است. ابتدا انکار کردند و گفتند سانحه بوده است. بعداً گفتند خطای انسانی بوده و بعد هم جعبه سیاه هواپیما را که اطلاعات ارزشمندی از چگونگی سقوط هواپیما بدست میدهد را تحویل نمیدهند. این آخری بویژه آشکارا وحشت حکومت از افشای سرنخی از نحوه شلیک را بدست میدهد و بخودی خود تلاشی برای لاپوشانی اطلاعات از این جنایت است. وگرنه اگر خطای انسانی بوده است و عمدی نبوده است، چرا اجازه نمیدهید که اطلاعات جعبه سیاه خوانده شود و جوانب آن توسط کارشناسان روشن شود و دنیا متوجه ماجرا گردد؟ اینها میدانند که تحویل ندادن جعبه سیاه هواپیما نقض

## حکومت جنایت و چپاول و فاجعه

# باید سرنگون شود!

## زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه انسانی!

میشوند یا نه. و ما مردم خود باید تضمین کنیم و اگر متحدانه عمل کنیم این نیرو را داریم که تضمین کنیم که این دشمنان خونخوار بشریت در دادگاه علنی مردمی پاسخگو شوند و به بازماندگان زخم خورده این جنایت و به همه مردم بگویند که چرا در روز روشن به یک هواپیمای مسافربری که دقایقی قبل از فرودگاه خمینی یعنی فرودگاه اصلی کشور متبوع خودشان پرواز کرده بود، شلیک کردند و چه کسی فرمان این شلیک را داد. دور نخواهد بود روزی که پاسخ به این سوال را از زبان عاملینش بشنویم. ما مردم تضمین میکنیم که در تمام تلاشها برای رسیدن به این روز در کنار بازماندگان این جنایت خواهیم بود. تضمین میکنیم که اجازه نمیدهیم که این جنایت به فراموشی سپرده شود. تضمین میکنیم که یاد تک تک عزیزان جانباخته را در کنار بازماندگانشان گرامی خواهیم داشت.\*

اسماعیلیون چهره او را مخدوش کند. اما نفرت عمیق جهانی از جنایت جمهوری اسلامی باعث شد که این توطئه نیز فوراً شکست بخورد و این تقلاها به رسوایی عاملینش منجر شود. بدون تردید پرونده شلیک به هواپیمای پرواز 752 تا زمانی که عاملینش محاکمه نشوند بسته نخواهد شد. دنیا عادلانه نیست اما قدرت جنبش عدالت طلبی و حق طلبی انقدر هست که گریبان عاملین این چنین جنایت عظیمی را رها نکند. بدون تردید روزی در دادگاههای علنی مردمی شاهد محاکمه سران و دست اندرکاران این حکومت خواهیم بود و اولین سوالی که باید جواب دهند در مورد این جنایت است. صدای بازماندگان در سطح جهان شنیده شده است. کل سیستم حاکم در دنیا امروز زیر این سوال جدی قرار دارد که آیا قاتلین و جنایتکاران وقتی که در راس حکومتها قرار داشته باشند، به دست عدالت سپرده

و هیچ دادگاهی نمیتواند بعنوان قاتل آنها را به محاکمه بکشد، برآستی نفرت آور است. نکته مهم اینست که جنایتی بی سابقه و بسیار فجیع توسط حکومت اسلامی صورت گرفته است و 176 نفر از عزیزان مردم به عمد و بدون هیچ توجیه و دلیلی توسط یک حکومت به قتل رسیده اند. حامد اسماعیلیون یکی از بازماندگان شناخته شده این جنایت است که به دلیل سخنان پر احساس و فعالیت مستمرش در سطح عمومی به چهره ای شناخته شده تبدیل شده است. او همسرش پریسا و دخترش ریرا را از دست داد. او اکنون در راس یک ستاد پیگیری جنایت پرواز 752 قرار دارد و یکی از تلاشهای این ستاد کشاندن این پرونده به دادگاههای بین المللی است. جمهوری اسلامی در روزهای اخیر تلاش کرد که با تحریک ناسیونالیستی علیه حامد



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiran.org



## حکومت جنایت و فاجعه باید سرنگون شود

## فاشیسم اسلامی علیه کارگران مهاجر افغانستانی

نگاهی به سیاستهای جمهوری اسلامی

علیه افغانستانیهای مقیم ایران

سیامک بهاری



عراق و بازگشت لشکر جویندگان کار به ایران، عرصه به مهاجرین افغانستانی تنگتر شد. زمزمه اخراج پناهندگان و مجاز و غیر مجاز بودن شهروندان افغانستانی شروع شد. تبعات ویرانی اقتصادی پس از جنگ، مانند گرانی و بیکاری، به حضور چند میلیون مهاجر افغان در بازار کار ایران نسبت داده میشود. حلقه محاصر برای نیروی کار ارزانی که با تولید کوهی از ثروت، گنج باد آورده‌ای برای سرمایه‌داران و صاحب کاران ایجاد کرده بود، تنگ تر گردید!

### اخراجهای گسترده

#### شروع می‌شود؛

با اعلام "طرح جامع ممنوعیت کامل حضور افغانه" تمدید اقامت شهروندان افغانستانی با مشکلات و موانع جدید توسط اداره تباع بیگانه وقت روبرو شد و موج اخراجهای چندین هزار نفره در روز آغاز گردید. با توافق جمهوری اسلامی و کمیساریا عالی پناهندگی سازمان ملل (UNHCR) مقرر شد برای بازگرداندن مهاجرین با پرداخت ۱۵۰ دلار کمک اولیه، یک کیسه آرد و یک کیسه برنج از سوی

ادامه در صفحه ۹

در بحبوحه جنگ هشت ساله ایران و عراق، حدود سه میلیون نفر آواره افغانستانی ساکن اجباری شهرهای ایران شدند. نیاز به نیروی کار در رشته‌های شاق و زیان آور که متقاضی چندانی نداشت، امکان داد که اولین دسته مهاجرین جذب بازار کار گردند و عمدتاً در رشته‌هایی ماند جاده سازی، خطوط فاضلاب، سنگ‌بری، کشاورزی و دامداری واز این قبیل مشغول بکار شدند. سرمایه اسلامی سودهای سرشاری از بی تأمین‌ترین و خاموش‌ترین کارگران بی پناهی که به جنگ سرمایه داران بیرحم افتاده بودند، برخوردار شد. کارگران مهاجری که در تنگای اقتصادی زمان جنگ، تنها مفرشان فروش نیروی کار چند برابر ارزاتر از معمول بود.

حکومت اسلامی با استفاده از کمک هزینه سازمان ملل برای هر پناهجو که در زمان خودش مبلغی بالغ بر چهار میلیارد دلار در سال می‌شد، با «پناهانده پذیری در عرصه بین‌المللی، و صاحب‌کاران و سرمایه‌داران از قبل این نیروی کار ارزان به نان و نوایی رسیده بودند. دیری نپایید که با خاموش شدن شعله‌های جنگ ایران و

در میدان مرکزی ویکتوریا در شهر آتن تجمع اعتراضی برپا کردند. در مقابل سفارت ننگین جمهوری اسلامی در برلین تظاهرات برپا گردید. اما سازمان ملل متحد، بویژه کمیساریا عالی پناهندگی (UNHCR) در مقابل این کشتار وحشیانه سکوت کرد این سکوت ننگین معنایی جز شریک جرم شدن در جنایت جمهوری اسلامی ندارد. این سبعیت و درندگی یک بار دیگر سابقه نژادپرستی سیستماتیک حکومت اسلامی ایران را به صحنه دید جهانیان آورد. فجایی چون کشتار ۱۳ پناهجوی افغانستانی که اجسادشان را در یک گور دستجمعی در اطراف شهر تایباد مخفیانه دفن کردند تا شکنجه وحشیانه چهار دانش‌آموز افغانستانی در پاکدشت ورامین، کشتار پناهجویان افغانستانی در کوه‌های سلماس همجوار مرز ترکیه تا چهار دهه استثمار وحشیانه و پایمال کردن حق شهروندی میلیونها مهاجر و پناهنده افغانستانی که به دام جمهوری اسلامی ایران افتاده‌اند.

سابقه فشرده‌ای از مهاجرت شهروندان افغانستانی به جمهوری اسلامی ایران

آنان مفقود است. جان به در بردگان این جنایت هولناک، با جزئیات با ذکر نام و نشان شهادت داده‌اند. جمهوری اسلامی انکار کرد علیرغم همه قرائن و شواهد متقن جمع‌آوری شده توسط دو هیئت جداگانه، چه در سطح محلی هرات و در سطح دولت مرکزی را انکار کرد و حتی از روایت و تحویل گرفتن اسناد تهیه شده خودداری کرد.

علیه این کشتار وحشیانه مردم خشمگین در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در شهر هرات تجمع کردند و برخی از نمایندگان سرشناس پارلمان افغانستان از جمله "بلقیس روشن" و "مریم سما" صریحاً جمهوری اسلامی ایران را بعنوان قاتل کارگرن مهاجر محکوم کردند و خواهان ارجاع این پرونده به دادگاه بین‌المللی لاهه شدند. ۲۵۰ تن از فعالان سیاسی و اجتماعی از داخل و خارج کشور ایران در بیانیه‌ای این جنایت را محکوم کردند. در شهر مرزی اسلام قلعه اعتراضاتی شکل گرفت. جمعی از ایرانیان مقیم یونان

سه هفته از جنایت و آدمکشی وحشیانه جمهوری اسلامی و به رودخانه انداختن کارگران مهاجر افغانستانی توسط مرزبانان جمهوری اسلامی می‌گذرد. حدود پنجاه نفر از کارگر فصلی و جویای کار که در میان آنها چندین کودک و نوجوان بودند، ساعت یک بامداد روز شنبه ۱۳ اردیبهشت از منطقه مرزی دهانه ذوالفقار وارد ایران شدند و به کمین نیروهای هنگ مرزی تایباد ایران در مرز افغانستان افتادند. پس از دستگیری بصورت وحشیانه‌ای آنها را برهنه کرده و شکنجه دادند، از آنها بیگاری کشیدند و به ضرب کتک‌کاری و شلیک گلوله مجبورشان کردند به درون رودخانه گل‌لود و متلاطم هریرود بپرند و به افغانستان برگردند. تا کنون اجساد ۱۹ نفر از هریرود گرفته شده است. به گواهی پزشکی قانونی بیمارستان هرات، مرگ همه اجساد بر اثر خفگی در آب است. آثار شکنجه بر پیکر مجروح آنها کاملاً مشهود است. کماکان جسد ۱۲ نفر از

## اساس کمونیسم و سوسیالیسم انسان است کاظم نیکخواه



یک دستاورد و گام تاریخی و اساسی حزب کمونیست کارگری بازگرداندن انسان به کمونیسم و سوسیالیسم است. محور کمونیسم مارکس از ابتدا تا انتها انسان است. اما به مرور زمان و زیر فشار گرایش‌های مختلف بویژه گرایش ناسیونالیسم و ضد امپریالیسم ارتجاعی، انسان و انسانیت در کمونیسم موجود کم‌رنگ می‌شود و بتدریج رنگ می‌بازد. منصور حکمت جمله تاریخی ای را زمانی در سخنانش بیان کرد و گفت "اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم بازگرداندن منزلت و اختیار به انسان است". این جمله کوتاه مشخصه اصلی کمونیسم کارگری و کمونیسم مارکس را بخوبی بیان می‌کند. در تفکر چپ غیر کارگری انسان کلاً غایب است تا حدی که وقتی حزب کمونیست کارگری از جامعه انسانی و انقلاب انسانی و حکومت انسانی سخن می‌گوید، بسیاری جریانات و افرادی که خود را مارکسیست

را نوآوری نمی‌دانیم. بلکه از نظر ما کمونیسم از اساس چیز دیگری جز این نبوده و نیست.

مارکس از جوانی و از ابتدای تحقیقاتش در پی پاسخ به این سوال است که چگونه میتوان جامعه غیر انسانی موجود را انسانی کرد و به رنج انسانها پایان داد. او تا آخر در همین راستا تلاش و تحقیق کرد و منشاء جامعه طبقاتی و سرمایه داری و سود و از خود بیگانگی انسان را نشان داد و طبقه کارگر آن نیروی است که میتواند با انقلاب خویش انقلاب سوسیالیستی، جامعه را بر قاعده درست خود قرار دهد و انسان را به انسانیت خویش بازگرداند و از تاریخ توحش رها کند. همچنانکه خود میگوید "دیدگاه ماتریالیسم کهن جامعه "مدنی" است. دیدگاه ماتریالیسم نو جامعه انسانی یا انسانیت اجتماعی است" (تزهایی در مورد فوئرباخ)

### سرمایه داری

اساس سرمایه داری سود است. سرمایه داری یک سیستم طبقاتی است که در آن اقلیتی از افراد بنام سرمایه دار وسائل تولید اجتماعی را تصاحب کرده اند و اکثریت جامعه را که کارگران و مردم کارکن هستند استثمار میکنند و از قبل بالا کشیدن ارزش اضافه کار آنها، ثروت اندوزی میکنند. بعبارت دیگر اکثریت تولید میکنند و اقلیت به جیب میزنند. هرچه کارگران بیشتر تولید میکنند و قدرت تولید خود را بالا میبرند، دشمنان

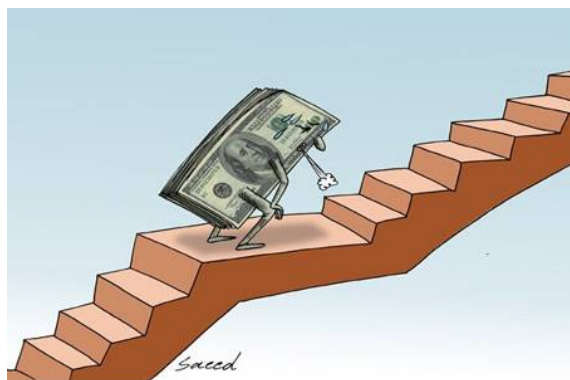


حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

جنایتکار شد. و.. میتوان دست به هر کاری زد. سرمایه یعنی سود. سود یعنی دزدی از معاش اکثریت مردم تولید کننده توسط یک اقلیت بی خاصیت و دزد و چپاولگر. این دزدی و چپاولگری یک امر فرای قانون و اتفاقی نیست. بلکه در اساس و ریشه سرمایه داری جای دارد. بدون سود یعنی بالا کشیدن ارزش اضافه کار کارگر سرمایه معنایی ندارد. نفس همین واقعیت این را تاکید میکند که سیستم سرمایه داری با نفس زندگی انسانی کاملاً در تضاد و تناقض قرار دارد. در جامعه سرمایه داری اکثریت مردم از بخش زیادی از اینها از جمله از رفاه، از معیشت کافی، از آزادی از برابری از شادی از امکان ارتباط با اکثر انسانهای

خود را پرور می‌کنند و خود محروم تر و فقیرتر میشوند. چنین جامعه ای با منطق پایه ای جامعه انسانی در تضاد و تناقض است. انسانها دور هم جمع میشوند که با هم زندگی کنند. حکمت و منطق پایه ای جامعه، پاسخ جمعی به نیازهای انسانی است. اما منطق سرمایه درست عکس اینست. منطق و حکمت سرمایه استثمار و سود است. بخاطر سود میتوان جنگ های ویرانگر و نابود کننده را راه اندازی کرد و صدها هزار و میلیونها نفر را به کشتن داد. میتوان انسانها را شکنجه و سرکوب و اعدام کرد. میتوان مردم را به گرسنگی و بیماری و مرگ محکوم کرد. میتوان کالاها را بدریا ریخت. میتوان دروغ گفت. میتوان زندان ساخت. میتوان فاشیست و

**برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به  
حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.**



باند‌های قاچاقچیان ارزی حکومت بالا برده و در این میان برای پر کردن افزایش تقاضای کذایی برای دلار در بازار؛ اقدام به تزریق ۲ و نیم میلیارد دلار به بازار کرده است. این اقدام بانک مرکزی بر خلاف ادعایش که گویا تزریق ارز برای ایجاد "ثبات قیمتی در بازار" بوده، نه تنها قیمت دلار را کاهش نداد، بلکه هر روز و هر ساعت قیمت دلار بالا رفته است. حکومت ادعا می کند تقاضا برای دلار در بازار افزایش یافته و دولت و بانک مرکزی باید به این تقاضا جواب بدهند. یعنی دلار وارد بازار نکنند. بازاری که تعیین کننده اصلی قیمت در آن بانک مرکزی، صرافی ملی و باندهای حکومتی شاعل در تجارت پرسود قاچاق ارزهای خارجی می باشند.

این سیاست حکومت به خوبی نشان می میدهد که پشت این مداخلات در بازار ارزهای خارجی چه سیاستی قرار داشته و حکومت مشغول چه کاری می باشد. دولت و بانک مرکزی به عنوان بزرگترین عرضه کننده دلار و ارزهای خارجی به بازار، خودشان همزمان تعیین کننده قیمت دلار و افزایش هر ساعتی قیمت آن می باشند. ادعای مداخله در بازار ارز برای جلوگیری از افزایش قیمت ارزهای خارجی از جمله دلار دروغی بیش نیست. بازار ارز یک منبع مهم تامین درآمد های ریالی برای حکومت دزدان و اختلاسگران و قاچاقچیان رژیم می باشد.

سیاست افزایش و بالا بردن قیمت دلار و سایر ارزهای خارجی رسماً در بودجه سال ۹۹ حکومت مصوب شده و به عنوان یک منبع درآمد برای جبران کسری بودجه امسال از محل

## افزایش قیمت دلار برای جبران کسری بودجه جمهوری اسلامی

محمد شکوهی



در دو هفته گذشته قیمت دلار با گذشتن از مرز ۱۷ هزار تومان رکورد جدیدی زد. در طول این مدت دلاری که از اوایل فروردین ماه نزدیک ۱۴ هزار تومان بود، روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت به بالای ۱۷ هزار تومان رسید. بر اساس تازه ترین گزارشات بازار بورس ارزهای خارجی حکومت؛ هر اسکناس دلار آمریکا به نرخ ۱۷ هزار و دویست تومان از مردم خریداری شده و با رشد ۱۵۰ تومانی نسبت به روز قبل، به قیمت ۱۷ هزار و ۳۰۰ تومان به متقاضی دریافت دلار آمریکا فروخته شود. در این میان قیمت دلار در بازار آزاد ۱۷ هزار و ۵۷۰ تومان می باشد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی در آنچه که "واکنش به نوسانات ارزی" می نامد؛ در اقدامی بی سابقه و در سامانه رسمی تحت مدیریت خود معروف به (سنا) رسماً قیمت دلار را ۱۷ هزار و ۲۰۰ تومان اعلام کرد. دست اندرکاران بانک مرکزی و دولت در باره افزایش قیمت دلار در بازار آزاد تا بالای ۱۷ هزار و ۵۷۰ تومان را "عادی" نامیده و مدعی شده اند که این افزایش ناشی از رابطه عرضه و تقاضا و "برخی مشکلات این

قیمت دلار و سایر ارزهای خارجی را بر روی قیمت کالاهای وارداتی سرشکن می کنند. این توجیه بی شرمانه و دفاع از گرانی های موجود می باشد. وارد کنندگان کالاهای اساسی نهادهای حکومتی و وزارتخانه و باندهای رنگارنگ حکومتی می باشند. اینها دلار را از دولت به قیمت های ۴۲۰۰ تا ۸ هزار تومان برای واردات دریافت کرده و اقدام به وارد کردن کالاها می کنند. بخشی از این ارز صرف واردات شده و یک بخش مهم آن توسط مافیای حکومتی در بازار آزاد ارزهای خارجی فروخته شده و بدین ترتیب دولت و باندهای مافیایی حکومت درآمدهای هزاران میلیاردی نصیب شان می شود. کل حکومت و مافیای ارز و قاچاق؛ با همه باندها و دار و دسته هایشان در این تجارت پرسود سهیم بوده و از دو طریق درآمد های هنگفت به جیب می زنند. اول از طریق فروش دلار دولتی در بازار آزاد به قیمت های روز بازار آزاد دلار ( در حال حاضر بالای ۱۷ هزار تومان) و دوم گران کردن و بالا بردن هر لحظه قیمت کالاهای اساسی وارداتی مورد نیاز مردم.

تاثیر فوری کل این شده و وارد کنندگان افزایش

کسب درآمد از بازار ارز در نظر گرفته شده است. بودجه نویسان حکومتی در توجیه این سیاست ارزی شان گفته اند، از آنجائیکه تحریمها موانع جدی برای صادرات نفتی ایجاد کرده؛ و درآمدهای نفتی حکومت کاهش پیدا کرده و همزمان کرونا آمده و هزینه های دولت بالا رفته است، در نتیجه دولت با کاهش بودجه بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی مواجه بوده که این سیاست های ارزی می تواند تا حدودی درآمدهای ریالی دولت را تامین نماید. هدف دولت از این سیاست ارزی کسب درآمد برای جبران کسری بودجه امسال که رقمی بالای ۱۵۰ هزار میلیارد تومان می باشد، است.

اما اثرات و تبعات این رکورد زنی دلار بر زندگی و معیشت مردم، بویژه در رقم زدن به گرانی های بیشتر مایحتاج عمومی و مورد مصرف مردم به مراتب مخربتر و بیشتر از هر زمانی شده است. بر اساس گزارشات بانک مرکزی و مرکز آمار در دو ماهه اول امسال مواد خوراکی بیش از ۳۰ درصد گران شده اند. نهادهای حکومتی ادعا کرده اند با گران شدن قیمت دلار، هزینه های واردات کالاهای اساسی نیز گران شده و وارد کنندگان افزایش

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

## مدیای اجتماعی

### از مدیای سازمان جوانان کمونیست!

روحانی از "دولت چند حزبی" میگوید و خامنه ای از "دولت حزب الهی" حسن روحانی در دیدار با تعدادی از فعالان سیاسی دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب، گفت که «اگر بخواهیم نظام پایدار بماند، باید دو سه حزب اصلی در کشور ایجاد شوند، اینها به تناوب قدرت را در دست بگیرند و خودشان مسئول باشند، خودشان هم جوابگو باشند.» و ادامه داد که «در حال حاضر ما هم

می‌خواهیم انتخابات داشته باشیم، هم لوازمش (ملزوماتش) را قبول نداشته باشیم... اداره کشور اینجوری خیلی سخت است.» بعد از اعتراضات گسترده و مقتدرانه مردم در سال گذشته که کلیت نظام را نشانه رفته بود، نگرانی و هشدارهای زنجیره وار نظریه پردازان و سران جناح های مختلف حکومت، بابت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی را از داخل و خارج

ایران شاهد بوده‌ایم. با شیوع کرونا و تغییر سریع اوضاع اقتصادی، امیدواری اندک سران نظام برای طولانی کردن عمر ننگین خود، بیشتر به ناامیدی تبدیل شد. در این میان، خامنه ای هم به تازگی در جمع مزدوران خود از گسترش دیدگاه ها و خواست های پیشرو و چپ در دانشگاه ها و جامعه ابراز نگرانی کرده و خواستار برخورد با این نگرش و هر نوع نگاه انتقادی به نظام شده است. این صحبت های روحانی در کنار تمامی رویکردهای موجود نظام، نشان از آشفتگی و بالا گرفتن تناقضات داخلی برای حفظ نظام و شکاف در

## جوانان کمونیست

هیات حاکمه جمهوری اسلامی را نشان می دهد. جدای از تلاش و دست و پا زدن سران جمهوری اسلامی برای تاختن "اسب بی سر نظام"، روند اتفاقات و رویداد های جامعه همچون اعتصابات، اعتراضات و عدم شرکت مردم در نمایش های حکومتی از جمله انتخابات، گواهی می دهد که مردم

عامل اصلی مشکلات خود را به خوبی می شناسند و بازی جناح های نظام، رویکرد مردود و بازی تکراری نظام برای مردم است. همانطور که جامعه در خیابان ها، موضع خود در مقابل نظام را با شعار "اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تومومه ماجرا" به روشنی بیان کرده است.



اصلی حکومت اسلامی است و این دلیل اصلی حکومت برای بکار گرفتن خشونت هر چه بیشتر علیه بیحجابی است. می دانند که با حجاب آمدند و با بی حجابی زنان می روند. شاخه و شانه کشیدن برای زنان در "دنیای مجازی" مشکل حکومت را حل نخواهد کرد بلکه با موج جدیدی از بی حجابی مواجه خواهند شد. همانطور که تمهیدات زورگویانه در دنیای واقعی تنها شکستهای پی در پی برای آنها داشته است. زنان حجاب نمی خواهند. این را به هزار و یک شکل نشان داده اند. بی حجابی "ناهنجاری اجتماعی" نیست. بوسیدن "ناهنجاری اجتماعی" نیست که کسی به خاطر آن دستگیر شود. این جمهوری اسلامی است که عین "ناهنجاری اجتماعی" و وصله ناجوری بر این جامعه است و این تشبثات نشاندهنده عمق ضعف و

## تار موی زنان برای حکومت!

سر زنان بچسبانند. صدها قانون وضع کردند و قوانین مجازات برای بی حجابان تعیین کردند. از منبر نماز جمعه ها علیه زنان عربده کشیدند. به صورت زنان اسید پاشیدند. اوباش و گله های حزب الله شان را علیه زنان روانه خیابان کردند. ۲۶ ارگان را با تمام امکانات علیه زنان بسیج کردند. اما هیچکدام از اینها نتوانست است مانع آنچه که خود می گویند یعنی "بی حجابی" و "یا حجاب برداشتن" زنان شود. در دیماه ۹۶ دختران انقلاب با به چوب کردن حجاب اسلامی اراده زنان برای لغو حجاب اجباری را با شجاعت تمام به نمایش گذاشتند. جمهوری اسلامی با این اعتراضات سراسیمه شد و به نفس نفس افتاد. حجاب یکی از ستون های

جمهوری اسلامی که در مهار زنان معترض به حجاب اجباری در جامعه هر چه بیشتر خود را شکست خورده می بیند حالا به دنیای "مجازی" آمده است که با حجاب برخورد کند. اخیرا رئیس پلیس فنا گفته است که کشف حجاب در دنیای مجازی تخلف است و با شدت با آن برخورد خواهد شد. پاسخ چنین تهدیداتی این است که جنبش حجاب برگیران را چنان وسعت دهیم که جمهوری اسلامی نتواند هیچ غلطی بکند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در به انقیاد در آوردن زنان در چهارچوب ارزشها و قوانین اسلامی شکست خورده است. کم تقلا نکردند. از همان آغاز حکومتشان به جان زنان افتادند تا با پونز حجاب را به

زبونی و وحشت حکومت از جنبش رهایی زن و جنبش رهایی از فرهنگ ارتجاعی اسلامی است. سران حکومت مطمئن باشند که زنان آزاده با گسترش جنبش حجاب برگیران پاسخ شایسته ای به این گستاخی خواهند داد و در خیابان و دانشگاه و مدرسه و شبکه های اجتماعی نشان خواهند داد که این جنبش اجتماعی تر و قدرتمندتر از آن است که زیر بار این زورگویی ها برود. جمهوری اسلامی در مقابل میلیونها زن و مرد آزادیخواه که به آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی و حجاب اجباری اش محکم نه گفته

اند هیچ غلطی نمی تواند بکند. حجاب اجباری و همه قوانین تبعیض آمیز باید فوراً لغو شوند. لازمست که همه شهروندان از حقوق انسانی زنان به دفاع برخیزند و تعرض حکومت را با تعرض گسترده و همبستگی هر چه بیشتر پاسخ دهند. جنبش رهایی زن در ایران جنبشی عمیقاً آزادیخواهانه و یکی از پایه های مهم جنبش سرنگونی است. این جنبش را با تمام قوا تقویت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۱ خرداد ۱۳۹۹  
۲۱ مه ۲۰۲۰

# حکومت اسلامی ضد زن نابود باید گردد

از صفحه ۳

## فایشیسه اسلامی علیه کارگران مهاجر ...

سازمان ملل، کار را فیصله دهند. بازگشت به جهنم افغانستان برای بسیاری از خانواده‌های مهاجر افغانستانی غیر ممکن بود. چیزی جز گرسنگی و بیکاری، مرگ و نابودی در انتظار آنها نبود. بعلاوه اقامت در کشور جدید، تولد فرزندان که خود را اساسا ایرانی می‌دانستند و هیچ ذهنیتی از افغانستان نداشتند کار را به مراتب برای خانواده‌ها سخت‌تر می‌کرد. ناچار زندگی در بی‌تأمینی محض ابعاد تلخ تری بخود گرفت. دیگر هیچ چیز، نه خانه و کاشانه، نه درس و تحصیل فرزندان، نه شغل و حرفه‌ای، قانونی نبود. به ناچار مهاجرینی که کارت اقامتشان تمدید نمی‌شد، به نام غیر مجاز در شرایط دشوارتری بناچار به ماندن در ایران تن دادند.

بسیج ضد مهاجرین افغانستانی توسط حکومت اسلامی مداوما بیشتر گردید. واژه "افغانی" یک تحقیر رنج آور آشکار و سندی مجاز برای هر تهمت، افترا و هر زورگویی و قلدرمنشی بدل گردید. دیگر مهاجرین افغانستانی "برادران دینی" محسوب نمی‌شدند. اما نیروی کار فوق ارزان آنها همچنان نصیب مفت خورهای بازار بیرحم کار می‌گردید! هجوم فایشیستی سازمان یافته دولتی با سر کار آمدن محمد خاتمی رئیس جمهور وقت، در سال ۱۳۸۲ رسماً آغاز گردید. دولت خاتمی رأساً عهده دار گردید تا "شر" افغانها را بکند. تصویب "آیین‌نامه تسریع در روند بازگشت" با یازده بند و

چند تبصره در ۲۶ آذر ماه ۱۳۸۲ اعلام جنگ رسمی علیه مهاجرین و حمله سراسری به آنان را قانونی کرد. خاتمی رئیس‌جمهور و محمدرضا عارف، معاون اول او، سند را به تصویب هیئت دولت رساندند. دو وزارتخانه کشور و اطلاعات مامور اجرایی این آیین‌نامه گردیدند. از این پس مهاجرین "افغانی" بعنوان موضوعی اطلاعاتی و امنیتی تلقی شدند و بکارگیری حتی مهاجرین مجاز تابع مقررات پیچیده‌تری می‌شد. هر نوع بکار گیری مهاجرین غیرمجاز، معامله با آنها، حمل و نقل و اسکان دادن آنان جرم امنیتی محسوب می‌گردید.

در عرض مدت کوتاهی به ناگهان چیزی حدود نیم میلیون کودک و عمدتاً دختر، رسماً بی‌هویت و بی‌شناسنامه شدند. از درس و تحصیل و نام‌نویسی در مؤسسات آموزشی و اداری محروم شدند.

تبعات زندگی مخفی شهروندان افغان در ایران پس از اجرایی شدن "آیین‌نامه تسریع در روند بازگشت"، توسط دولت محمد خاتمی زندگی شهروندان افغانستانی وارد فاز دیگری شد. زندگی مخفی شرایط بسیار دشوارتری را به آنها

تحمیل می‌کرد. همه چیز چند برابر قیمت می‌شد و فروش نیروی کار در مقابل، چند برابر ارزانتر و نامطمئن تر.

محرومیت از تحصیل فرزندان، از ابتدایی تا مدارج عالی دانشگاهی، تبعات غیرقابل جبرانی ایجاد کرد. دهها هزار کودک محروم از تحصیل ناچار به نان آوران خانواده بدل شدند تا چرخ سنگین زندگی "غیرمجاز" لنگان بچرخد.

اما وضعیت خرابتر از آنچه بود که انتظارش می‌رفت. اسکان شهروندان افغان در ۳۷ شهر، در ۱۷ استان کشور ممنوع اعلام گردید. اقامت در بخشهایی از استانهای خوزستان، فارس، بوشهر، اصفهان، کرمان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، سمنان، قزوین، گلستان، مرکزی و یزد، برای اقامت شهروندان افغان ممنوع اعلام شد. فقط در سه استان تهران به جز منطقه "مخجیر در منطقه ۱۳ شهرداری، استان البرز و قم مجاز اعلام شد. بخشدار مرکزی نوشهر اعلام کرد که حضور شهروندان افغان در بخش مرکزی این شهرستان کاملاً ممنوع است. این سیاست با شدت و خشونت

سازمان یافته تری در زمان احمدی نژاد، سپس حسن روحانی ادامه یافت. در آن زمان اعلام کردند که مهلت قانونی برای تعیین وضعیت اقامت پناهندگان افغان در ایران رو به اتمام است و مردان مجرد مقیم استانهای تهران، اصفهان و خراسان رضوی باید ایران را تا خرداد ماه ۱۳۹۱ ترک کنند.

تحصیل کودکان افغانستانی که در هیچ یک از مقاطع تحصیلی رایگان نبود و در مدارس دولتی که تا چند برابر هزینه اعلام شده، شهریه آموزش پرداخت می‌شد برای بسیاری از دانش‌آموزان با پیشینه افغانستانی بدلیل غیر مجاز بودن ممنوع شد. در مواردی دانش‌آموزان به اصطلاح مجاز از تحصیل در مدارس روزانه محروم شدند و به ناچار در مدارس شبانه به تحصیل ادامه دادند. اعلام شد، برخی از کودکان افغانستانی که زادگاهشان ایران است، اجازه دارند در مدارس ایران تا مقطع دیپلم و در برخی رشته‌ها به مدت ۶ سال تحصیلات دانشگاهی کسب کنند. اما پس از آن اجازه کار و استفاده از تخصص‌شان را ندارند و به دنبال آن، اجازه اقامت در ایران را نیز از دست می‌دهند.

انتخاب رشته‌های تحصیلی مانند فیزیک اتمی، فیزیک (گرایش هسته‌ای)، مهندسی هسته‌ای، مهندسی تسلیحات، مهندسی فناوری اطلاعات، (گرایش امنیت اطلاعات، امنیت شبکه، مخابرات امن)، مهندسی هوافضا (کلیه گرایش‌ها)، مهندسی شیمی (گرایش صنایع پالایش، پتروشیمی، شیمیایی، معدنی، گاز، عملیات پتروشیمی)، مهندسی نگهداری هواپیما (هوانوردی، خلبانی، مراقبت پرواز، نمایش و نگهداری هواپیما)، الکترونیک مهندسی هواپیمایی، فرماندهی و کنترل هوایی، تکنیک حوزه‌های نظامی، علوم و فنون هوانوردی، خلبانی هلیکوپتر، مهندسی تعمیر و نگهداری هلیکوپتر، اطلاعات نظامی، اویونیک هواپیما، علوم نظامی، نوابری و فرماندهی کشتی، مدیریت و کمیسر دریایی برای مهاجرین ممنوع اعلام گردید. دولت در برخی استانها، سوپرمارکت‌ها، نانواپی‌ها و رانندگان تاکسی، اتوبوسهای شهری و بین شهری، خدمات دهندگان حمل و نقل و فروشندگان مواد غذایی را ملزم کرد که به افغانها خدمات ارائه ندهند و

ادامه در صفحه ۹

**برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس‌های زیر تماس بگیرید:**

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

واتس اپ: +۴۴ ۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @wpi\_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi\_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: [www.facebook.com/wpiran](https://www.facebook.com/wpiran)

## اساس کمونیسم و سوسیالیسم...

دیگر و از منزلت و احترام محروم میشوند. در سرمایه داری کار نه یک فعالیت خلاق و لذت بخش انسانی، بلکه اجباری است برای تامین معاش. برای زنده ماندن باید کار کرد و برای کار کردن باید تن به استثمار داد.

اما همین ماهیت استثمارگرانه سرمایه داری، نقطه ضعف آنرا نیز رقم میزند. در بطن سرمایه داری یک طبقه، طبقه کارگر مدام از نظر جایگاه اجتماعی و نقش حیاتی‌اش رشد میکند و بیش از هر طبقه دیگری هم موجودیت بهم پیوسته طبقاتی و فراکشوری و جهانی پیدا میکند، و هم نقش کلیدی و حیاتی در سیستم موجود پیدا میکند. در سوی دیگر طبقه سرمایه دار قرار دارد که مدام کوچکتر میشود و در رقابت و تخصص بیشتری نسبت به هم طبقه ایهایش قرار میگیرد. طبقه کارگر گلوگاه سرمایه را در دستهای خویش دارد و زمانی که بعنوان یک طبقه آگاه وارد صحنه شود و اراده کند میتواند و این توان را دارد که به موجودیت این نظام استثمارگرانه و ضد انسانی پایان دهد و جامعه ای انسانی و بدون ستم و استثمار را پایه ریزی کند.

### جامعه انسانی

جامعه کمونیستی نفی و

ضد جوامع طبقاتی تاکنونی است. کمونیسم یعنی انسان. یعنی جامعه را انسانی کردن. انسانیت اجتماعی یعنی اینکه جامعه چیزی جز انسان اجتماعی و برابر نیست. و اساسا انسان یک موجود اجتماعی است. پاسخ به نیازهای انسانی، تامین و تضمین شادی و رفاه و منزلت و برابری انسانها تمام فلسفه سوسیالیسم و کمونیسم است. جامعه انسانی جامعه ای است بدون طبقات، بدون تبعیضات، بدون فقر و بدون ستمگر و ستمکش. جامعه انسانی یعنی انسانی که اجتماعی زندگی میکند. زندگی فقط زنده ماندن به هر شکلی نیست. زندگی انسانی یعنی رفاه و معاش کافی، یعنی امکان و آزادی سخن گفتن، فکر کردن، جمع شدن، و مراد و ارتباط در موقعیتی برابر با دیگر انسانها. ماهیت کار نیز در این جامعه کاملا با جامعه طبقاتی متفاوت است. کار یک فعالیت خلاق انسانی است نه اجباری برای تامین معاش. انسان با کار معنا پیدا میکند. انسان بدون کار معنا ندارد. اما انسانی که با اجبار معاش کار میکند در واقع از خود بعنوان انسان بیگانه میشود. اینجا انسان کار میکند تا بعد از کار زندگی کند.

مدافعان سرمایه داری ادعا

میکند که جامعه برابر و آزاد و مرفه یک اتویی و خیالپردازی است. میگویند مدینه فاضله است و امکان پذیر نیست. میگویند باید به همین که هست رضایت داد. میگویند فقر و ثروت جزء جدایی ناپذیر جامعه است. میگویند امروز از دیروز بهتر است. میگویند باید به ثروتمند بودن و ثروتمندتر شدن ثروتمندان کمک کرد تا فقرا نیز کمتر فقیر بمانند. میگویند برابری معنا ندارد و وجود ثروتمند و فقیر جزو تعریف جامعه است.

اینها جوهر استدالات همه مرتجعین و مدافعان نظامهای کهنه و پوسیده تاریخ است. مدافعان برده داری و زمین داری نیز همین را میگفتند. مخالفان حق رای عمومی نیز همین را میگفتند. مخالفان حقوق برابر زن و مرد نیز همین نوع استدالات را تحویل مردم میدادند. کنه و جوهر حرف همه آنها اینست که اکثریت مردم باید به استثمار و فقر و بی حقوقی و تحقیر تن دهند. آنها خود را صاحب جامعه میدانند و از اکثریت مردم انتظار دارند که به امتیازات طبقاتی آنها بدون اعتراض گردن بگذارند و رضایت دهند که آنها بچاپند و اکثریت انسانها با درد و رنج و فقری که حاصل چپاولگری و دزدی و امتیازات آنهاست بسازند. میگویند چاره ای نیست جز اینکه ما ستمگران بر سر امتیازاتمان باقی بمانیم!

کارگران و مردم استوار بوده و روزگار تیره و تاری را برای میلیونها بیکار رقم زده است. دوره پسا کرونا با تعرض حکومت به کارگران و مردم شروع شده است. متقابلا کارگران و مردم هم نباید ساکت و نظاره گر اوضاع باشند. از هم اکنون اعتراضات

و اگر منطق بی پایه آنها را نپذیرید، جوابشان زور و سرکوب است. با چنگ و دندان و جنایت و ترور و زندان بر جامعه انسانی چنگ انداخته اند و میخواهند وانمود کنند که سرنوشت بشر همین است و منطقی جز زور پشت حاکمیت آنهاست.

سرمایه داری یک سیستم پر از تناقضات مهلک است و بحرانهایش مدام عمیق تر و دامنه دارتر میشود. بحران سرمایه داری ناشی از ماهیت آنست و با هیچ اصلاحات و رفرمی نمیتوان این سیستم را از بحرانها نجات داد. بحرانهای اقتصادی مدام به بحرانهای سیاسی و اجتماعی گسترده و عمیقتری منجر میشود و در این بحرانها طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر در برابر هم آشکارا صف آرای میگردند. در بحرانهای اجتماعی و سیاسی، تخصص ایهایش و عمیقتری منجر میشود و در این بحرانها طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر در برابر هم آشکارا صف آرای میگردند. در بحرانهای اجتماعی و سیاسی، تخصص ایهایش و عمیقتری منجر میشود و در این بحرانها طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر در برابر هم آشکارا صف آرای میگردند. در بحرانهای اجتماعی و سیاسی، تخصص ایهایش و عمیقتری منجر میشود و در این بحرانها طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر در برابر هم آشکارا صف آرای میگردند.

و مبارزات کارگران و بخشهای مختلف جامعه بر علیه سیاست های کثیف حکومت در حمله به سطح معیشت و زندگی مردم آغاز شده است. دوره پسا کرونا دوره رویارویی های وسیع و گسترده جنبش های اجتماعی و کارگری با حکومت دزدان و قاتلان و اختلاسگران

# یا سوسیالیسم یا بربریت

یک دنیای بهتر،  
دنیایی فارغ از نابرابری، تبعیض و ستم  
ممکن است!

اکثریت مردم با انقلاب اجتماعی برهبری طبقه کارگر میتوانند به نظام غیر عادلانه و غیر انسانی سرمایه داری پایان دهند و جامعه را بر پایه انسانی خویش قرار دهند. انسان از این زمان از تاریخ دوره توحش بطور قطع جدا میشود و راه دیگری، راه گام گذاردن و پیش رفتن در مسیر جامعه واقعا انسانی را که هدف و ماهیتش پاسخ به نیازهای انسانهاست را آغاز میکند. طبعا چنین تحول عظیم و بی سابقه ای ساده نیست و با موانعی جدی مواجه خواهد شد. اصلی ترین مانع مقاومت صاحب امتیازان کنونی یعنی طبقه سرمایه دار است. بهر رو در مورد موانع پیش روی چنین تحول عظیم و تاریخ سازی جداگانه باید بحث کرد. اما با دیدن موانع باید راههای کنار زدن آنها را جستجو کرد و نشان داد. نه اینکه به سیستمی اساسا غیر انسانی و غیر منطقی که به بشریت تحمیل شده رضایت داد.\*

است. جواب تعرضات جمهوری اسلامی را باید با اتحاد و همبستگی و مبارزه سراسری داد. دولت موظف است معیشت همه مردم را بدون چون و چرا تامین نماید. طبیعی است این حکومت فقط زبان زور و اعتراض را می فهمد.\*

## افزایش قیمت دلار برای جبران...

سیاستهای بی ارزش شدن پول و گران شدن کالاها و تضعیف شدید قدرت خرید مردم است. کارگران و مردم حقوق بگیر قربانی فوری چنین سیاستی

هستند. سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی جمهوری اسلامی در این دوره اساسا بر حمله گسترده به سطح معیشت و زندگی



از صفحه ۷

## فایشیسه اسلامی علیه کارگران مهاجر ...

از آنها کارت اقامت بخواهند! مسئولان دولتی استانهای فارس و خوزستان فروش کالا و مواد غذایی و ارائه خدمات عمومی و بهداشتی به اتباع خارجی غیرمجاز را ممنوع کردند و هشدار داده‌اند که با افراد خاطی به شدت برخورد خواهد شد. ممنوعیت رانندگی، ممنوعیت فروش مواد غذایی، ممنوعیت ورود به پارکها، ممنوعیت ارائه خدمات حمل و نقل افغانستانی بعنوان بخشی از فشارهای سازمان یافته دولتی علیه مهاجران افغان صورت رسمی بخود گرفت. ایرنا، خبرگزاری رسمی دولت ایران نوشت: "کارفرمایان و صاحبان حرفه‌ها و مشاغل در استان فارس باید قبل از ارائه خدمات به اتباع بیگانه، از هویت آنها با مشاهده کارت هویت و مجوز اقامت قانونی، اطمینان حاصل کنند". روزنامه "عصرمردم" چاپ شیراز نوشت: "نانوایی‌ها، سوپرمارکت‌ها و مراکزی که مواد غذایی می‌فروشند، در صورت عدم رعایت این طرح، پلمپ و جریمه خواهند شد". مدیرکل استان فارس دلیل این تصمیم را "آغاز فصل تابستان و منطقی بودن نگرانی کارشناسان بهداشت دانشگاه علوم پزشکی از شیوع بیماریهای مسری به واسطه اتباع خارجی غیر مجاز ذکر کرد!" مسئولان دولتی اصفهان در ۱۳ فروردین ماه ۱۳۹۱ ورود شهروندان افغان به پارک صفا شهر را ممنوع اعلام کردند. در شهر یزد، روز دوشنبه پنجم تیرماه ۱۳۹۱ حمله سازمان یافته از سوی نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به خانواده‌های مهاجر افغان صورت گرفت. اوباشان حکومت اسلامی خانواده‌های کارگر و مهاجر افغان را زیر حمله چوب چماق خود گرفتند و آلودگی آنها را همراه با مرد و زن و فرزندانیشان را طعمه حریق کردند. بسیاری از خانواده‌ها از وحشت و برای نجات جان خود، آواره بیابانهای اطراف شهر شدند. مجروحین در بیمارستانها بعنوان غیرمجاز پذیرفته نشدند. مامورین انتظامی شکایت قربانیان این حادثه را بدون بررسی گذاشتند و از اقدام برای تأمین امنیت آنان نیز خودداری کردند. در ششم تیرماه ۱۳۹۱، در روستای چهارستون از توابع سلماس در مرز ایران و ترکیه، جنایت هولناک دیگری به وقوع پیوست. یک گروه از افغانستانی‌ها از سوی نیروهای نظامی به گلوله بسته شدند. در این تهاجم نفرت‌انگیز، ۱۸ نفر جان باختند و ۵ نفر نیز بشدت زخمی شدند. این اقدامات ضد بشری از سوی بسیاری از سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان، فعالین اجتماعی و نیز شخصیت‌ها و هنرمندان شناخته شده مورد اعتراض قرار گرفت.

**تهاجم سازمان یافته همچنان ادامه یافت**

سرهنک رحیم رمضان آقایی معاون پلیس راهور با اعلام ممنوعیت رانندگی افغانها، اعلام می‌کند:

"مهاجران افغان حتی با کارت اقامت هم نمی‌توانند گواهینامه رانندگی بگیرند و گواهینامه افغانستانی نیز در ایران معتبر نیست. این محرومیت تنها شامل مهاجران افغانستانی مقیم ایران می‌شود و دیگر اتباع خارجی می‌توانند با مراجعه به معاونت اتباع بیگانه نیروی انتظامی، گواهینامه رانندگی دریافت کنند". در ۲۲ تیرماه سال ۹۳ نیز اشتغال اتباع با پیشینه افغان بطور رسمی در دستگاههای دولتی ایران ممنوع اعلام گردید. اقدام بعدی اخراج مهاجرین افغانستانی از کل استان مازندران بود. مسئولان دولتی استان مازندران پیشتر از این حضور اتباع افغانستان را در ۱۰ شهر ساحلی مازندران ممنوع کرده بودند. از جمله محمدتقی شفیعی یکی از مسئولان این استان به خبرگزاری تسنیم می‌گوید: اتباع خارجی که بصورت غیرمجاز در استان حضور دارند "توسط نیروی انتظامی دستگیر می‌شوند". اتباع افغان ساکن در مازندران ۹۰ درصد وضعیت مالی "مطلوب" ندارند. مدیرکل اتباع و مهاجران خارجی در استانداری مازندران از ممنوعیت اقامت و حضور اتباع افغان در این استان خبر می‌دهد و می‌گوید: "تنها آن دسته از اتباع افغان که مادران ایرانی دارند، می‌توانند در کشور زندگی کنند". در شهر یزد از سوی نهادهای دولتی، بیلبردهایی مبنی بر ممنوعیت حضور و تردد اتباع افغان "غیر مجاز" نصب می‌گردد. و عاقبت اقامت در ۱۷ استان ۳۷ شهر برای مهاجرین افغانستانی اکیدامنوع می‌شود.

**سیاست ارازان کردن نیروی کار کارگران مهاجر**

### افغانستانی

چهار دهه است، هزاران مهاجر و پناهجوی افغانستانی در گریز از جنگ و ناامنی، فقر و بیکاری در جستجوی مکانی امن از بد حادثه در دام جمهوری اسلامی ایران افتاده‌اند. نه فقط با محرومیت از ابتدایی‌ترین حق پناهندگی، که با نژادپرستی سازمان یافته دولتی در همه ابعاد اجتماعی، در سخت‌ترین مشاغل بعنوان کارگران ارزان، بیرحمانه مورد استثمار قرار می‌گیرند. این تنها بخشی از پرونده رسوای حکومت اسلامی در اعمال رفتار فوق‌خشن با شهروندان افغان و خانواده آنها است. در تمامی سالهایی که حکومت اسلامی با فریب سازمانهای جهانی خود را میزبان آوارگان و جنگ‌زدگان افغانستانی معرفی کرده است، جز با اعمال سیاستهای آشکارا نژادپرستانه، رفتار نکرده است. صدها هزار شهروند افغانستانی که توانسته‌اند با تحمل مصایب و مکافات بسیار و رشوه‌های سنگین و آمایش‌های مداوم، موقتا اقامت مجاز بگیرند در صف شاق‌ترین کارها و مشاغل قرار گرفته‌اند. نگاهی گذرا به فهرست اعلام شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بخوبی نشان میدهد که چگونه برای استثمار کارگران افغان در ایران نقشه کشیده‌اند و قانون وضع کرده‌اند. از جمله مشاغل چهارگانه‌ای که کارگران افغانستانی مجاز می‌توانند در آن اشتغال داشته باشند به قرار زیر است:

۱- مشاغل سنگبری و سنگ‌تراشی.

۲- کارگری در کارگاههای کشاورزی مانند بیل‌زنی، سمپاشی، علوفه جمع‌کنی و

امثال آن.

۳- مشاغل راه‌سازی و معدن از جمله تعمیر و نگهداری تونل، استخراج و حفاری معدن.

۴- مشاغل کشتارگاه مانند چوپانی، متصدی مرغداری و سلاخی دام و طیور و برخی مشاغل پراکنده مانند سوزاندن و امحاء زباله، بازیافت مواد شیمیایی، کمپوست‌سازی، تخلیه و نظافت مخازن، استخراجهای فاضلاب یا کارگر کوره‌های ریخته‌گری.

به این فهرست باید جداسازی علنی مدارس دانش‌آموزان افغانستانی تا بی‌هویت و بی‌شناسنامه کردن بیش از نیم میلیون کودک به جرم داشتن پیشینه افغانستانی اعمال تبعیض سازمان یافته دولتی علیه آموزش کودکان و طبقه بندی ملیتی آنان را نیز افزود.

**لشکر فاطمیون و قربانی کردن پناهجویان افغانستانی**

ماجراجویی‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی با شروع جنگ در سوریه و دفاع از بشار اسد به بهانه نبرد با داعش و جبهه‌النصره، تحت لوای دفاع از مرقد زینب در ابعادی بسیار گسترده و پیچیده‌تری به سربرگیری از میان مهاجرین و پناهندگان افغانستانی دامن زد.

لشکر فاطمیون از میانه این فشار و تحمیل فقر و تنگدستی و تهدید به اخراج و محرومیت آشکار از بدیهی‌ترین حقوق شهروندی مانند حق اسکان و ایاب و ذهاب و اشتغال قانونی تا داشتن اوراق هویتی تا تعلق و وفاداری ایدئولوژیک به جمهوری اسلامی موجودیت یافت. هزاران نفر حتی از ادامه در صفحه ۱۲

## ادامه اعتراضات کارگران معدن فاریاب و چند خبر اعتراضی دیگر

### اعتراض کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه

روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه به دلیل وضعیت بحرانی این مجتمع و کاهش ۷۰ درصدی ظرفیت تولید و نداشتن ایمنی شغلی و تعویق پرداخت دو ماه دستمزد خود دست به تجمع زدند. به گفته کارگران در ادامه دزدی های پست پرده، این واحد تولیدی بدهی های مالی زیادی به سایر نهادهای دولتی و خصوصی دارد و اکنون وضعیت این مجتمع بحرانی است و در حالیکه تولید کارخانه ۱۰۰ هزار تن در سال است، در سال زراعی جاری در مجموع ۲۰ هزار تن شکر زرد در هفت تپه تولید شده است که کمترین برداشت طی ۱۳ تا ۱۴ سال گذشته است. همچنین در این دوره از برداشت نیشکر میزان شهد و شیرینی نی های بریده شده بسیار پایین بود و به همین دلیل بر میزان تولید شکر تاثیر گذاشته است.

### تجمع پرستاران اصفهان مقابل دادستانی

روز ۱ خرداد پرستاران اصفهان در اعتراض به تبعیض در نظام پرداختی وزارت بهداشت و درمان و عدم اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که بیش از ۱۳ سال از تصویب آن می گذرد، مقابل دادستانی تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی پرستاران همچنین با اعتراض به فشار سنگین

کاری خواستار برطرف کردن کمبود نیروی انسانی و اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور در رابطه با کارشان شدند. **اخباری از احضارها، بازداشتها، کارزارها**

### محاکمه آتنا دائمی

روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت جلسه بیدادگاه آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام به ریاست قاضی محمدرضا عموزاد برگزار شد. این جلسه دادگاه با حضور آتنا و وکلای مدافع او عباس امیری و مصطفی نیلی برگزار گردید. بنا بر خبر جلسه بعدی دادگاه وی به زودی تعیین وقت خواهد شد. این محاکمه در خصوص مصداق اتهام "اجتماع و تبانی در جهت بر هم زدن امنیت کشور" به دلیل تحصن چند روزه (دیماه ۹۸) در بند زنان زندان اوین به مناسبت چهلمین روز جانباختگان آیان و در همراهی با خانواده های جانباختگان، و همچنین در خصوص اتهام "تبلیغ علیه نظام" و چند مورد دیگر انجام گرفت. آتنا دائمی دیماه ۹۸ به مدت ۱۵ روز از بند زنان زندان اوین به بازداشتگاه اطلاعات سپاه موسوم به بند ۲ الف زندان اوین منتقل شد. این انتقال در پی تحصن هشت تن از زنان زندانی سیاسی در بند زنان زندان اوین در اعتراض کشتار آبانماه صورت گرفته بود.

**اعتراض معلمان به احکام زندان اعضای انجمن فرهنگی خراسان شمالی**

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان دستگاه قضایی جمهوری اسلامی اعضای هیات مدیره انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی به اسامی محمد رضا رمضان زاده، حسین رمضان پور، سعید حق پرست، علی فروتن، حسن جوهری، مصطفی رباطی و حمید رضا رجایی را به احکام سنگین محکوم کرده است. بنا بر این احکام وحشیانه محمد رضا رمضان پور به ۸ سال حبس، حسین رمضانپور به ۴ سال حبس و باقی افراد هر کدام به ۳۲ ماه حبس محکوم شده اند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای صدور این احکام و خواستار لغو فوری آنها شده است.

پیش تر در همین پرونده در دادگاه کیفری محمد رضا رمضان پور به ۲ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق، حسین رمضان پور به ۷۴ ضربه شلاق و رحایی به ۶ ماه حبس محکوم شده بودند. و این احکام وحشیانه با موجی از اعتراض روبرو گردیده بود.

### پرونده سازی جدید علیه اسماعیل عبدی

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای اسماعیل عبدی معلم زندانی در حالیکه در آستانه پایان محکومیت ۶ ساله خود قرار دارد، پرونده جدیدی تشکیل داده و او را به ده سال دیگر حبس محکوم کرده است. عبدی که تنها چند روز پیش از نوروز ۹۹ به دلیل خطر شیوع ویروس جدید کرونا و با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین به مرخصی آمده بود، در روز اول اردیبهشت که در پی تماس مقامات قضایی برای طی کردن روال اداری

آزادی اش به دادسرای اوین مراجعه کرده بود، دوباره بازداشت شد.

اسماعیل عبدی دبیر آموزش و پرورش اسلامشهر و عضو کانون صنفی معلمان به خاطر حضور در تجمع جلوی مجلس و اعتراض به وضعیت نابسامان آموزش و پرورش و سیستم آموزش، دستگیر شد. بنا بر خبرها حکم ۱۰ سال زندان تعلیقی توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در سال ۱۳۸۹ علیه او صادر شده بود. اکنون در حالیکه حتی بنا بر قوانین خود جمهوری اسلامی ۵ سال از صدور آن حکم میگذرد، ظاهرا تعلیقی بودن حکم کنار رفته و به ده سال حبس تبدیل شده است. بدین ترتیب همه چیز حاکی از پاپوش دوزی برای این معلم زندانی و ادامه بازداشت وی است. علاوه بر بازداشت مجدد اسماعیل عبدی، روز سه شنبه ۲۳ اردیبهشت مرخصی محمود بهشتی لنگرودی یکی دیگر از اعضای کانون صنفی معلمان تمدید نشده و او به زندان بازگردانده شد. بهشتی ۵ سال حکم زندان دارد. کانون صنفی معلمان طی بیانیه ای تشکیل پرونده جدید برای اسماعیل عبدی و ادامه بازداشت معلمان در بند را محکوم کرده است. یک کارزار مهم در میان معلمان کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات است. اسماعیل عبدی همراه با جعفر عظیم زاده در سال ۹۵ این کارزار را اعلام کرده و با خواست بسته شدن تمامی پرونده های امنیتی آنها اعلام داشتند و با استقبالی اجتماعی روبرو شد.

### اعتراض کارگران

پتروشیمی، شرکت واحد، برق، راه و شهرسازی

### تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی عسلویه فار ۱۴ و ۱۵

طی روزهای ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت کارگران پتروشیمی عسلویه فارهای ۱۴ و ۱۵ در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد هایشان مقابل حراست این شرکت دست به تجمع زدند. از سوی دیگر کارگران برخی دیگر از شرکتهای پتروشیمی عسلویه طی نامه سرگشاده ای اعتراض خود را به تغییر شیف های کاری در این شرکت ها اعلام داشتند. به گفته این کارگران آنها قبلا بصورت یک هفته روزکار، یک هفته شب کار و یک هفته استراحت کار میکردند. اما قرار است از ابتدای خرداد، برنامه کاری آنها تغییر کند. یعنی برنامه ۱۲ ساعت شیفت به صورت ۴ روز روزکار و ۴ روز شب شبکار و ۴ روز استراحت اجرایی شود. این تغییر ساعات کاری برای بسیاری از پرسنل از جمله پرسنل تعمیرات، حراست و آتش نشانی خواهد بود. کارگران میگویند تغییر برنامه کاری، همه مناسبات زندگی آنها را به هم می ریزد. بویژه برای کارگران غیربومی محدودیتها و مشکلات جدی تری برای مسافرت و سر زدن به خانواده ایجاد میکند.

### گزارشی از تجمع بازنشستگان فولاد اصفهان و چند خبر اعتراضی کارگری

همانگونه که قبلا گزارش دادیم روز ۲۷ اردیبهشت کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان در پی فراخوانی از ادامه در صفحه ۱۱

## ستاد مردمی مبارزه با کرونا : پول برق و گاز و آب را نپردازید!

### هیچکس نباید قبوض برق را بپردازد!

مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق در ایران روز گذشته اعلام کرد که فرصت اعلام شده برای تعویق پرداخت پول برق تا پایان اردیبهشت ماه بود و از همگان خواست که فوراً پول برق را بپردازند. او میگوید به منظور استمرار خدمات مطلوب در تابستان از همه میخواهیم نسبت به پرداخت قبوض خود اقدام کنند. در حالیکه در ایران کماکان کرونا بیداد میکند،

حکومت هیچ کمک مالی به خانواده ها نداده و بسیاری را به دلیل نبود کمکهای دولتی مجبور کرده است که روانه بازار کار شوند، اکنون نیز بعد از چند ماه فقط مهلت دادن به مردم برای دیر پرداخت قبوض، تحت فشار میگذارد، که باید قبوض را بپردازند، سوال اینست با کدام پول. مردم ایران اکنون در بدترین شرایط اقتصادی بسر میبرند و بسیاری با دستهای خالی و با نبود امکانات با بیماری

خطرناک کرونا دست و پنجه نرم میکنند.

حکومت جنایتکار اسلامی دست در دست کرونا از مردم ایران قربانی میگیرد و اکنون میخواهد با اعمال فشار به همه، این بار برق خانه ها را نیز قطع کند.

سیاست این حکومت از روز اول میدان دادن به گسترش ویروس و عدم محافظت از زندگی مردم ایران بوده است. این حکومت اکنون در دوره دوم گسترش کرونا، از تسلط بر کرونا حرف میزند و با عادی جلوه دادن اوضاع مردم را به قتلگاه میفرستد، نه فقط این بلکه با عدم پرداخت کمکهای مالی و عدم کمک رسانی به مردم

فقیر و کم در آمد و اعمال فشار به آنها، میلیونها نفر را به آستانه مرگ بر اثر گرسنگی و فقر سوق میدهد.

### مردم آزاده ایران!

دسته جمعی و متحدانه قبوض برق را نپردازید. اگر شما حتی میتوانید پول برق را بدهید در اعلام همبستگی با میلیونها نفر که نمیتوانند پول را نپردازید، حکومت نمیتواند در مقابل مردم متحد کاری بکند.

حکومتی که بر دریای ثروت به غارت برده از مردم ایران نشسته و هر آخوند کپک زده و هر مزدور این حکومت میتواند بدزد و پول پارو کند، اکنون میخواهد سراغ سفره خالی مردم رفته و

با تهدید و ارباب خون مردم را بمکد، دیگر کافی است، باید بپا خاست و در مقابل این حکومت ایستاد.

فراخوان ما به شما اینست قبوض برق را نپردازید، همه باهم و متحدانه!

### ستاد مردمی مبارزه با کرونا

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

برابر با ۲۰ ماه مه ۲۰۲۰

کانال ستاد مردمی

مبارزه با کرونا در ایران

آدرس کانال

t.me/

Iran\_Corona\_2020

تماس با ما

@stop\_corona

این کارگران راه اندازی تولید و اشتغال و امنیت شغلی است. به گفته کارگران دو هفته قبل از واگذاری هپکو به ایمیدور (سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران) خبر داده شد و اکنون قرار است به کنسرسیوم معادن (زیر مجموعه ایمیدور) واگذار شود. تولید این شرکت به ۱۰ درصد کاهش یافته و نیمی از کارگران در مرخصی هستند. بیش از یک و نیم میلیارد تومان مطالبات معوقه دارند.

### آزادی سه کارگر زغال سنگ کرمان و چند خبر اعتراضی کارگری

صبح روز شنبه ۲۷ اردیبهشت، ۳ نفر از کارگران اعتصابی شرکت معادن زغال سنگ کرمان که در اعتراض به فروش سهام این معدن و خطر بیکارسازی ها و نیز سطح نازل دستمزدها و وضعیت برده وار کاری خود دو هفته است در اعتراض به سر میبرند تحت عنوان "

ادامه در صفحه ۱۲

اردیبهشت ماه، کارگران کارخانه زیپ ایک در نقده در اعتراض به تعطیلی این کارخانه و بیکار شدن کارگران در مقابل اداره کار نقده تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گفته کارگران، اختلاف سهام داران کارخانه باعث تعطیلی کارخانه شده است. در این میان ۲۵۰ کارگر شغل خود را از دست داده و کارخانه به تعطیلی کشیده شده است. کارگران خواستار بازگشت به کارشان هستند.

### سومین روز تجمع اعتراضی کارگران هپکو با خواست راه اندازی تولید و اشتغال

دور جدید اعتراضات کارگران هپکو از روز یکشنبه ۲۸ اردیبهشت آغاز شده و اکنون وارد سومین روز خود شده است. در این روز کارگران هپکو با تجمع در محوطه شرکت اعتراض خود را به وضعیت بلاتکلیف کارخانه و توقف تولید و بیکار شدنشان از کار و نیز تعویق پرداخت دستمزدهایشان اعلام کردند. خواست فوری

### بلاتکلیفی کارگران نیشکر هفت تپه در پایان برداشت نیشکر

با پایان برداشت نیشکر در کشت و صنعت نیشکر هفت تپه قرارداد کار حدود ۲ هزار کارگر فصلی تا آبان ماه خاتمه یافته و وضعیت شغلی و معیشتی این کارگران در بلاتکلیفی قرار گرفته است. به گفته کارگران آنها معمولاً آبان و آذر ماه هر سال فعالیت خود را در مزارع نیشکر برای بریدن نی شروع کرده و تا اردیبهشت و خرداد ماه سال بعد با این واحد کشاورزی همکاری می کنند. این کارگران بعضاً بین ۱۵ تا ۲۵ سال سابقه کار دارند. زمان کار این کارگران فصلی ماههای آبان و آذر ماه هر سال است. اما یک معضل همیشگی آنها نداشتن امنیت شغلی و نبود هیچگونه تضمینی برای بازگشت به کار دوباره برای سال آتی است. اکنون این کارگران با بی تضمینی مطلق برای تامین معیشت خود روبرویند.

روز پنجشنبه ۲۵

از صفحه ۱۰

### ادامه اعتراضات کارگران معدن ...

قبل اعلام شده در اعتراض به سطح نازل حقوقها، تعویق پرداخت مستمری ماهانه، وضع نابسامان درمان و زندگی اسفناک خود در مقابل استانداری شهر تجمع کردند. بنا به گزارشهای تازه ای که دریافت کرده ایم شمار تجمع کنندگان به ۵۰۰ نفر میرسد. در این تجمع دست نوشته هایی با مضمون "نه به ناکارآمدی و سهل انگاری دولت در مقابله با کرونا" و تاکید بر حق درمان و حق معیشت جلب توجه میکرد. به گفته بازنشستگان از یکطرف صندوق کارکنان بازنشسته فولاد از ارائه همان حداقل خدماتی که موظف است به بازنشستگان ذوب آهن بدهد، خودداری می کند و انجام این امر را از وظایف شرکت ذوب آهن می داند، از سوی دیگر شرکت ذوب آهن اصفهان هم حکمی را از دادگاه علیه صندوق فولاد گرفته و بر اساس آن از ارائه خدمات به

بازنشستگان امتناع می کند. در این میان بازنشستگان بی تامین رها شده اند و بویژه در بحران کرونا معضل درمان خطری جدی برای آنهاست. بویژه اینکه قرارداد این بازنشستگان از هفدهم خردادماه سال جاری با این صندوق به پایان می رسد و پس از آن با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد. در تجمع روز ۲۷ اردیبهشت قرار شد جلسه ای برای حل مشکلات آنان با حضور مسئولان صندوق فولاد، وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت ذوب آهن برگزار شود و مطابق آیین نامه استخدامی فولاد برای همیشه به این موضوع خاتمه داده شود. بازنشستگان اعلام کرده اند که اگر پاسخ نگیرند، دوباره تجمع خواهند کرد. برخورداری از درمان رایگان برای بازنشستگان حیاتی است. درمان رایگان حق همه مردم است.

از صفحه ۱۱

## ادامه اعتراضات کارگران معدن ...

برهم زدن نظم عمومی توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. این بازداشت ها با اعتراض وسیعی در میان کارگران روبرو شد و کارگران بازداشتی بدنال اعتراض و پیگیری بامداد روز ۲۸ اردیبهشت آزاد شدند

- روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹، جمعی از پرستاران گیلانی که پس از

شیوع کرونا قراردادهای ۸۹ روزه به کار گرفته شده‌اند، به نمایندگی از همکاران خود به تهران رفتند و در مقابل ساختمان وزارت بهداشت و درمان تجمع کردند. پرستاران با در دست داشتن پلاکارد و بنرهایی اعلام کردند که با وعده جذب در بحران کرونا، سه ماه بدون حقوق، بدون بیمه و بدون قرارداد کار کرده‌اند و الان به

مشکل عدم جذب و بیکاری روبرو شده‌اند

- روز شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ ج معی از کارگران راه آهن اراک در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه مزدی در محل کار خود تجمع کردند. حقوق فروردین ماه و همچنین بخشی از مطالبات این کارگران از قبیل سنوات خدمت آنها پرداخت نشده است.

- روز ۳۰ اردیبهشت کارگران کنترل شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز در اعتراض

به سطح نازل دستمزدهایشان دست به تجمع زدند. به گفته کارگران آنها از ساعت ۶ صبح تا زمانی که اتوبوس ها تعطیل می شوند کار می کنند و برای هر روز کارکردن فقط ۴۰ هزار تومان دریافت میکنند. این درحالیست که هیچ کمک معیشتی به آنها پرداخت نمیشود. این کارگران درباره کمک ۵۰۰ هزار تومانی مصوب شورای اسلامی شهر نیز که قرار بود به حساب شخصی تک تک کنترلچی ها واریز شود، میگویند چیزی جز امروز و

فردا کردن نصیبشان نشده است.

- روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت، جمعی از دستفروشان و کسبه بازار روزهای شهرستان سیمیرغ در استان مازنداران در اعتراض به بلاتکلیفی معیشتی خود در این ایام بحران کرونا مقابل فرمانداری اجتماع کردند.

پیش بسوی  
اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۱ خرداد ۱۳۹۹  
۲۰۲۰ مه ۲۱

از صفحه ۹

## فاشیسم اسلامی علیه کارگران مهاجر ...

کودکان و نوجوانان با آموزشهای ابتدایی نظامی و چند هفته‌ای با وعده سرخرمن اقامت قانونی در ایران و پرداخت چند صد دلار دستمزد ماهانه، سرعت روانه خط مقدم جبهه‌های جنگ در سوریه شدند. دیری نگذشت که اجساد انبوهی از این لشکر ناامید و سرگردان به ایران و افغانستان برگشت داده شد. درابعادی حیرت انگیز، دهها هزار معلول جنگی به جا ماند و وعده‌هایی که هر بار با فشار بیشتر برای رفتن چندباره به جبهه‌های جنگ پایانی نداشت. دوهزار کشته و نزدیک بیست هزار زخمی حاصل این فریبکاری رذیلانه شد.

ناسیونالیسم ایرانی همسو و هم جهت با جنابات حکومت اسلامی در کل چهار دهه جنایت حکومت اسلامی علیه مهاجرین افغانستانی و تمامی

بیرحمانه ضد انسانی است. یک پای ثابت ترویج بیگانه ستیزی و فرودست کردن مهاجرین افغانستانی، فرهنگ منحن ناسیونالیستی همین جریانات بوده است. نه کودکان محروم و بازمانده از تحصیل و کارگران خردسال با پیشینه افغانستانی در بیغوله‌های کارگاه‌های تولیدی و دپوهای زباله و کودکان رها شده در خیابانها مسئله‌شان بوده است و نه سرکوب خشن و بیرحمانه در بازار بیرحم کار و نه رفتار تحقیرآمیز در اردوگاه‌های تله‌سیاه و عسگرآباد و سفیدسنگ و گردنه تنباکویی و مهانشهرها و نه کشتار و به دریا ریختن کارگران مهاجر به دست مرزبانان.

چاره کار اتحاد جمعی کارگران و همبستگی عموم مردم با شهروندان افغانستانی است

مردم شریفی که سالها آوارگان و جنگ‌زدگان افغان را پذیرا شده‌اند و رابطه ای انسانی با آنها داشته‌اند، این بار هم باید در صف اول مبارزه با فاشیسم سازمان یافته حکومتی علیه شهروندان افغانستانی باشند.

بین کارگران چیزی جز ایجاد نفاق در جامعه کارگری نیست. کارگران افغان باید در تشکلهای اعتراضی کارگری همدوش سایر هم طبقه ای های خود متشکل شوند و در همه اعتراضات حضور فعال داشته باشند. کارگران افغانستان و خانواده‌های آنها، بخشی جدایی ناپذیر از کل طبقه کارگر ایران محسوب میشوند. تشکلهای پیشرو و مبارز کارگری باید پرچمدار دفاع از کارگران افغانستانی باشند.\*

کارگران افغانستانی و ایرانی در کنار هم تحت حاکمیت جمهوری اسلامی استثمار می‌شوند و از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی خود بی بهره و محروم هستند. سرنوشت کارگران ایرانی و افغانستانی درهم تنیده است. جمهوری اسلامی دشمن مشترک همه کارگران است.

مرز تراشی و بهانه رد مرز کردن بخشی از توطئه سرمایه داران برای ارزانتر کردن نیروی کار کارگران افغان است. ملیت تراشی در

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: [anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

[www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)